

تعاون نخبگانی

اگر از کارآمدی مادی الگوهای رایج جهانی بگذریم، باید بیرسیم زیست جهان غربی چقدر سعادت و آسایش را برای انسان غربی به ارمغان آورده است ...



اگر از کارآمدی مادی الگوهای رایج جهانی بگذریم، باید بیرسیم زیست جهان غربی چقدر سعادت و آسایش را برای انسان غربی به ارمغان آورده است و حاصل آن اصول اقتصادی که مبتنی بر نفع فردی و آزادی حداکثری و نیز رقابت شکل گرفته، اکنون چیست؟ در این میان اما به اعتقاد بسیاری از اندیشه ورزان، انقلاب اسلامی رجعتی دوباره را رقم زد به تعالیم الهی و وحیانی و انسان گسیخته از ماوراءالطبیعه را به منزل نخست بازگرداند و البته که این رجعت در استمرار زیستی خود مطالباتی دیگرگون دارد و الگوهای ویژه خویش را می‌طلبد؛ الگوهایی که در سایه تبیین‌شان حرکت به سمت رستگاری بشری ممکن است. درباره ارائه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش عدالت در آن با حجت‌الاسلام علیرضا پیروزمند، معاون فرهنگستان علوم اسلامی به گفت‌وگو نشستیم که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید:

#8226& به نظر شما نقش ایران به عنوان پرچمدار ارائه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟

اصراری به اینکه ایران پیش‌تاز این موضوع باشد، وجود ندارد بلکه امت اسلامی به تناسب آموزه‌های عمومی اسلام که سیراب از عدالت خواهی، پیشرفت‌طلبی و تکامل‌گرایی است، می‌تواند و شایسته است میدان‌دار این عرصه باشد.

با توجه به واقعیت‌های موجود در دنیای اسلام و توانایی کشورهای اسلامی، این موضوع بیشتر متوجه ایران اسلامی شده است. زیرا به برکت انقلاب اسلامی، ایران توانسته بسیاری از الگوهای ارائه شده در تفکر اسلامی را مورد استفاده قرار داده و به نتایج مطلوب برسد. با توجه به آموزه‌های آزادی‌خواهانه اسلام، مردم ایران توانسته‌اند از بند استبداد طاغوتی و استکبار جهانی رها شده و یک سیستم مدیریتی براساس تئوری ولایت فقیه را پایه‌ریزی کنند.

در کشورهای دیگر منطقه چنین استقلال وجود ندارد زیرا اغلب مدیران و رهبران این کشورها به نوعی سیستم‌های توسعه غربی را پذیرفته و در زمینه تفکر اسلامی کار شایسته‌ای انجام نداده‌اند، اگر هم فعالیت‌هایی در زمینه نظریه پردازی عدالت اسلامی صورت گرفته بدون حمایت باقی مانده و به مرحله عمل نرسیده است. اما در ایران، رهبری خود در این زمینه پیشرو بوده‌اند و مروج و مشوق چنین حرکت‌ها و اندیشه‌هایی هستند. در حقیقت پیشرفت و عدالت‌گرایی با جوهره اصلی انقلاب اسلامی عجین شده است. ایران امروز وارد عرصه مدیریت جهانی شده و به پشتوانه آموزه‌های اسلام به دنبال الگویی جدید برای پیشرفت در دنیاست.

مفاهیم اصلی همچون عدالت، قسط یا پیشرفت همچون مفاهیم اصلی دیگری در دنیای امروز مصادره شده و به عنوان ابزاری در دست نظام‌های استکباری قرار گرفته‌اند. عرضه این مفاهیم به شکل ناب و با در نظر داشتن منافع عمومی و بومی می‌تواند برای آحاد بشریت عرصه جدیدی را در مبارزه و مواجهه فرهنگی فراهم کند.

#8226& تجربیات کشورهای توسعه‌یافته در ایجاد رفاه تا چه حد به عدالت نزدیک شده است؟

کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، ابتدا به فکر توسعه با محوریت ثروت اهتمام داشته‌اند که شکاف طبقاتی و نارضایتی جامعه را به همراه داشت. آنها در ادامه به فکر ایجاد نوعی از عدالت بودند اما با توجه به اینکه محور اندیشه در دنیای غرب - آزادی صرف - در نظر گرفته شده، تلاش‌ها در این سمت و سو بوده و از ایجاد عدالت فاصله گرفته است. دنیای غرب با محور آزادی اندیشه در همه عرصه‌ها، به دنبال تولید ثروت بوده و محور توسعه را هم ثروت در نظر گرفته‌اند. در حالی که تولید ثروت علاوه بر مزایای زیادی که در این جوامع داشته باعث بروز مشکلات اجتماعی زیادی در جامعه شده است. به تبع این موضوع، آنها بحث عدالت را کشف کردند و به دنبال راهکارهایی بودند تا توزیع ثروت در کشورهاشان به صورت عادلانه‌تری اتفاق بیفتد.

#8226& چه دلیلی برای پذیرش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در کشورهای دیگر هست؟

در حال حاضر دنیا با شرایط ویژه‌ای روبه‌رو است. نظام الگوی توسعه‌ای غرب، با وجود رشد شتابانی که در علم و فناوری ایجاد کرده، به تدریج بیشتر از گذشته نشان داده که نتوانسته دغدغه‌های مشترک و اصلی بشریت مثل امنیت، عدالت و آزادی را فراهم کند. به همین جهت گرایش زمینه برای ارائه نظریات بدیع و بی‌بدیلی که به جای اینکه این مفاهیم اصلی را مصادره کرده و وارونه عمل کند به دنبال ایجاد عدالت است، باز شده و پذیرای ارزش‌های والای اسلام است. از سوی دیگر اندیشه‌های عدالت‌خواهانه اسلام با فطرت انسانی در ارتباط بوده و از روح حقیقت نشأت گرفته است. طبیعی است اگر ما بتوانیم الگوهای اسلام را به درستی مورد شناسایی قرار دهیم و از آن به عنوان فرمول‌های کاربردی استفاده کنیم کشورهای دیگر برای پذیرش آن آمادگی خواهند داشت. البته این نکته را باید در نظر داشت که از افراط و تفریط پیشگیری کنیم. باید شاخص‌های الگوی اسلامی - ایرانی را در جامعه به صورت مرحله بندی و

سطح بندی شده، به شکل یک طیف مسئله دنبال کنیم. به این معنا که با یک جهت‌گیری واحد متناسب با مخاطبان مختلف در جوامع مختلف و نیز متناسب با وضعیت فرهنگی و باورهای ارزشی آنها توصیف و تعریف متناسب با آنها ارائه دهیم.

•#؛ علت کم‌توجهی به این مسئله در 3 دهه گذشته چه بوده است؟

نخستین دلیل را باید در شرایط عینی و سیاسی داخلی و نیز مسائلی جست‌وجو کرد که بین ایران و دیگر کشورها اتفاق افتاده است. دلیل دوم هم به عوامل اندیشه‌ای بازمی‌گردد. در گام نخست به‌طور طبیعی برای اینکه انقلاب، خود را تثبیت کند و بر مسائل روزمره خود فائق شود، باید انرژی عظیمی را صرف می‌کرد؛ از کودتاها تا جنگ تحمیلی تا منازعات سیاسی که وجود داشته و مسائل بین‌المللی که بوده و هنوز هم البته هست. از آنجا که تبدیل‌شدن انقلاب به جریان و وضعیت باثباتی که طمع کشورهای استکباری از براندازی آن برداشته شود، زمانبر بود و طبیعتاً انرژی کشور، خصوصاً مسئولان اصلی و شخص رهبری را به‌خود مشغول می‌کرد. اما اکنون کشور با حمایت مردم و تلاش مسئولان به ثباتی دست یافته که می‌تواند خود را از وضعیت روزمرگی خارج کند و افق‌های دورتری را در چنین سطوحی از مدیریت در نظر بگیرد. مسئله دومی که وجود داشته و آن را نباید ساده انگاشت، این است که توفیق در جهت پیشبرد چنین مسائلی در قدم اول محتاج به فهم موضوع است و در قدم دوم به تفاهم پیرامون آنچه باید اتفاق بیفتد. پس از آن نیز به پایه‌گذاری یک همکاری احتیاج دارد که اسم آن را می‌توان •#؛ 171؛ تعاون نخبگانی» گذاشت.

•#؛ درخصوص تعاون نخبگانی بیشتر توضیح دهید.

تعاون نخبگانی هنگامی شکل می‌گیرد که پیش از آن، •#؛ 171؛ تفاهم نخبگانی» اتفاق افتاده باشد؛ یعنی عموم نخبگان در رشته‌های خودشان و در بحث الگوی پیشرفت، به این باور عمومی رسیده باشند که اولاً باید در الگوی پیشرفت تغییر اساسی ایجاد کرد و ثانیاً اینکه می‌توان این کار را انجام داد. برای اینکه در این مسئله شاهد تفاهم و پذیرش بین اذهانی باشیم، باید ابتدا ضرورت و امکان و چیستی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت درک شده باشد. در این جهت سیطره ادبیات توسعه غرب - چه از نظر علمی و چه از نظر عملی- بر عموم کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، یک مانع بزرگ علمی و فرهنگی برای پرداختن به این موضوع و ایجاد یک حرکت رو به جلو بوده است. بخش مهمی از نخبگان جامعه، تحت تأثیر ادبیات غالب در دنیا، معتقد بودند که الگوی توسعه امری است جهانی و فراگیر که مخصوص یک کشور خاص نیست. حداکثر تغییری هم که در آن اتفاق می‌افتد، تطبیق برنامه‌های توسعه با وضعیت کشورهاست؛ یعنی صرفاً برنامه توسعه متناسب با موقعیت جغرافیایی، امکانات و نیروی انسانی متفاوت می‌شود، اما الگوی توسعه امری جهانی و فراگیر است.

•#؛ نگرش بومی‌سازی تا چه حد در عدم‌ارائه الگوی پیشرفت تاکنون تاثیر داشته است؟

بومی کردن به معنی تناسب با وضعیت جغرافیایی، جمعیتی و اقلیمی کشور است؛ مثلاً کشوری نفت دارد، ولی کشور دیگر ندارد. پس هر کشوری باید الگوی توسعه متناسب با وجود یا عدم‌وجود یک سرمایه طبیعی یا یک سرمایه انسانی را برای خود پایه‌گذاری کند. وجود و تأثیر جدی این دو جریان فکری در موضوع الگوی پیشرفت باعث شده که نخبگان ما از امکان و ضرورت پرداختن به الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی غفلت کنند. البته این به معنی آن نیست که در طول این سالیان، مسئله کاملاً متروک شده و نخبگان حوزوی و دانشگاهی به این موضوع نپرداخته‌اند، بلکه پرداختن همان عده قلیل، سرمایه‌ای است تا حرکت آینده قوی‌تر دنبال شود. درهم‌تنیدگی بین سیاست، فرهنگ و اقتصاد و ابعاد مختلف پیشرفت، پدیده‌ای اساسی است. توجه به این درهم‌تنیدگی در طراحی الگوی پیشرفت از پیچیدگی‌هایی است که کار را دشوار می‌کند.

•#؛ چه آسیبی در جهانی‌سازی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت متوجه ما خواهد بود؟

دنیاى جدید با وسعتی که در علم و فناوری به دست آورده چهره فریبنده‌ای به‌خود گرفته است که اندیشمندان ما نباید درگیر آن شوند. اگر در این مورد بخواهم ساده صحبت کنم باید بگویم که برای فراگیر شدن الگوی اسلامی - ایرانی نباید از اندیشه‌های اسلامی و شیعی دست برداریم. از سوی دیگر هم متقابلاً نباید به مرزهای خود قانع شویم و فراموش کنیم که اسلام یک الگوی جهانشمول برای مرتفع شدن همه مشکلات جهان است.

•#؛ جوامع غربی عدالت را به‌عنوان حقوق بشر معنی کرده‌اند. چه نسبتی میان این دو وجود دارد؟

قبل از اینکه بگویم حقوق بشر باید در یک بررسی بنیادی، نسبت میان حق و عدالت را تبیین کنیم. عدالت را اگر به معنی تناسبات کمال معنا کنیم یعنی بگویم هر جامعه‌ای هدفی را در نظر گرفته و تناسبات رسیدن به آن مفسر عدالت است، در جامعه اسلامی این هدف الهی است و در مبدأ الهی تعریف می‌شود و تناسبات برای رسیدن آن بیان می‌شود. اگر عدالت را اینگونه معنا کنیم، از چنین کرسی‌ای که با تکامل پیوند پیدا کرده است معنای عدالت مشخص می‌شود؛ یعنی حقوق براساس کمالی که افراد یا جامعه می‌خواهد پیدا کند مشخص می‌شود که حد او چیست. بنابراین حق و حقوق تابع سهم و مطالبه فرد و جامعه در بستر کمال تعریف می‌شود و این یک مفهوم بنیادی است که باید در نظر گرفت. از این جایگاه باید به سؤال برگشت؛ اینکه اگر عدالت معنایش این شد، حالا حقوق بشر چه معنایی دارد؟ حقوق بشر هم مانند بقیه اقسام حقوق، تابع این مفهوم مرکزی تعریف می‌شود که اگر حقوقی تعریف کنیم که عدالت را تضمین نکند به‌طور حتم حقوقی قابل دفاع نخواهد بود. اگر عدالت ضامن تعالی فرد و جامعه نباشد، به‌طور حتم عدالت را درست معنا نکرده‌ایم.

•#مهم‌ترین رکن و پیش نیاز برای به دست آوردن الگوی اسلامی- ایرانی چیست؟
الگوی پیشرفت، منطق یا ابزار است منتها ابزار نرم در تصرفات اجتماعی. منظور از نرم‌افزار، تصرف روش‌ها و قواعدی است که امکان مهندسی اجتماعی را برای ما فراهم می‌کند. با مهندسی اجتماعی امکان برنامه‌ریزی توسعه فراهم می‌شود و براساس برنامه‌ریزی توسعه می‌توان در جامعه تغییر و تمدن‌سازی ایجاد کرد.

•#ارتباط الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تمدن اسلامی چیست؟
اگر ما اهتمام خود و نظام را در دستیابی به تمدن اسلامی بدانیم آنگاه تمدن اسلامی مبتنی بر برنامه پیشرفت و برنامه پیشرفت مبتنی بر توسعه جامعه اسلامی است و در واقع الگوی توسعه پیش‌نیاز مهندسی پیشرفت است با این تأکید ما بدون الگوی توسعه اسلامی - ایرانی نمی‌توانیم گام برداریم. در برنامه تدوین شده الگوی بومی باید به این مسئله توجه کرد که در توسعه اسلامی- ایرانی، پیشرفت فرهنگی محور است یا توسعه اجتماعی سیاسی؟ بیشتر صاحب‌نظران بر این اصل نظر مشترک دارند که توسعه باید پایدار و متوازن اتفاق بیفتد؛ به‌طور مثال اگر اصل را توسعه اقتصادی در نظر بگیریم توسعه پایدار مهیا نمی‌شود چرا که الگوی توسعه غربی با نگرش مادی، نگاه غلط به جامعه و انسان را محور قرار می‌دهد. فرهنگ توسعه به دو روش قابل بررسی است؛ بخش اول آن فرهنگ به معنای ارزش‌ها و معیارهایی است که براساس آن الگوی توسعه را طراحی می‌کنیم. اما در معنای دوم که وسیع‌تر نیز است فرهنگ الگوی توسعه به این معناست که الگوی توسعه مبتنی بر دانش‌هایی مثل جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و... شکل می‌گیرد که این دانش‌ها در مجموع، فرهنگ توسعه را شکل می‌دهند.